



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

دوره هشتم - سال سوم

تاریخ چاپ ۱۳۸۹/۶/۱۴

۱۱۹۳

شماره چاپ

۴۶۳

شماره ثبت

یک شوری

لایحه تشکیلات دادسرا و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضائی

کمیسیونهای ارجاعی

اصلی: قضائی و حقوقی

فرعی:

معاونت قوانین

باسمه تعالی

شماره ۴۳۲۸۴/۱۱۲۳۵۲

تاریخ ۱۳۸۹/۵/۲۳

جناب آقای دکتر لاریجانی

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه تشکیلات دادسرا و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضائی که بنا به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۳/۲ هیأت وزیران به تصویب رسیده است، به پیوست برای طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود.

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهور

مقدمه توجیهی:

نظارت بر رفتار قضائی از مقوله‌هایی است که تمامی نظام‌های حقوقی در گذشته و حال بر آن تأکید داشته و دارند و در نظام قضائی اسلام نیز این امر همواره مورد عنایت بوده است. حضرت علی (علیه‌السلام) در فرمان خود به مالک اشتر ضمن برشمردن شرایط انتخاب قاضی و حفظ حیثیت و رعایت استقلال و تأمین معیشت وسیع برای او، دستور نظارت و بازرسی اعمال قضات را صادر و مقرر فرموده است: از قضات خود و نحوه کارشان بسیار خبرگیر، و بررسی و تحقیق کن مبدا که در رفتار و عمل و نحوه قضاوت از حدود الهی و اخلاق اسلامی خارج شوند.

یکی از کارآمدترین انواع نظارت، "نظارت انتظامی" است ولی مقررات کنونی مربوط به نظارت انتظامی در طول سالیان متمادی و در لابه‌لای قوانین متعدد شکل گرفته است. پراکندگی و نیز قدمت برخی از این مقررات که بعضاً به (۸۰) سال پیش برمی‌گردد باعث شده وضعیتی مبهم به وجود آید که برای هیچ‌کس خوشایند نیست؛ نه برای مراجعان به دستگاه قضاء، نه برای قضات و نه نهادهای مدیریتی و نظارتی مربوط در دستگاه قضائی. نظام‌نامه راجع به انواع تقصیرات قضات صرف‌نظر از ابهامات مربوط به آن نیازمند بازنگری و روزآمدی است و البته بهتر آنکه این کار در قالب یک متن قانونی منسجم و جامع همه مقررات مربوط به نظارت انتظامی صورت گیرد. بر این اساس لایحه زیر برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود:

لایحه تشکیلات دادسرا و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضائی

فصل اول - کلیات:

ماده ۱- به منظور دستیابی هر چه بیشتر به عدالت قضائی، نظارت انتظامی بر رفتار قضائی و رسیدگی به صلاحیت قضات با رعایت استقلال آنها به شرح این قانون و منحصرأ از طریق مراجع مذکور در این قانون به عمل خواهد آمد.

تبصره - رفتار قضائی شامل هر فعل یا ترک فعل قضات است که مربوط به وظایف حرفه‌ای و شأن قضائی ایشان می‌باشد.

ماده ۲- تمامی دارندگان پایه قضائی و نیز قضات نظامی مشمول این قانون می‌باشند.

فصل دوم - دادگاه عالی و دادرسی انتظامی قضات:

ماده ۳- دادگاه عالی انتظامی قضات به عنوان دادگاه بدوی و دادگاه عالی تجدیدنظر آن به صورت مستقل در تهران مستقر می‌باشند و بنا به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌توانند دارای شعب متعدد باشند. هر شعبه این دادگاهها از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود.

تبصره - دادگاههای موضوع این ماده، به تعداد کافی عضو معاون خواهند داشت که در غیاب هر یک از اعضاء وظیفه وی را انجام خواهد داد.

ماده ۴- رئیس و اعضاء دادگاه عالی انتظامی قضات و تجدیدنظر آن قابل تغییر نمی‌باشند، مگر به درخواست آنها و موافقت رئیس قوه قضائیه. قضات مذکور باید دارای حداقل بیست و پنج سال سابقه کار قضائی باشند و در ده سال اخیر خدمت قضائی خود محکومیت انتظامی از درجه (۶) و بالاتر نداشته باشند.

تبصره ۱- رئیس و اعضاء دادگاه عالی و تجدیدنظر انتظامی از بین قضات دادگاه عالی انتظامی یا دیوان عالی کشور توسط رئیس قوه قضائیه منصوب خواهند شد.

تبصره ۲- رؤسای شعب دادگاه عالی انتظامی قضات و تجدیدنظر آن در بالاترین گروه شغلی قضائی و مستشار و عضو معاون دادگاه به ترتیب در یک و دو گروه پایین‌تر قرار می‌گیرند.

ماده ۵- رسیدگی به امور زیر در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات می‌باشد:

۱- تخلفات انتظامی قضات؛

۲- پیشنهاد دادستان انتظامی قضات مبنی بر تعلیق قاضی از خدمت قضائی؛

۳- ترفیع پایه قضائی؛

۴- حل اختلاف بین دادستان انتظامی و دادیار انتظامی موضوع ماده (۳۰) این قانون؛

۵- اعتراض به قرار تعلیق تعقیب انتظامی؛

۶- اظهارنظر در خصوص اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع ماده (۳۲) این قانون.

۷- سایر مواردی که مطابق قوانین به عهده دادگاه عالی انتظامی قضات می‌باشد.

ماده ۶- به تخلفات انتظامی قضاتی که در زمان ارتکاب دارای سمت اداری بوده‌اند، در دادگاه عالی انتظامی قضات رسیدگی خواهد شد. به تخلفات کارکنانی که در زمان ارتکاب تخلف قاضی بوده‌اند، مطابق این قانون رسیدگی خواهد شد. در هر حال مجازات مقرر در حکم نمی‌تواند از مجازاتی که در زمان ارتکاب تخلف حاکم بوده تجاوز نماید.

ماده ۷- دادرسی انتظامی قضات در معیت دادگاه عالی انتظامی قضات تشکیل و مطابق مقررات این قانون انجام وظیفه می‌کند.

ماده ۸- ریاست دادرسی انتظامی به عهده دادستان انتظامی قضات است که باید دارای حداقل بیست سال سابقه قضائی یا پایه قضائی ده باشد و در ده سال اخیر خدمت قضائی خود محکومیت انتظامی درجه (۶) و بالاتر نداشته باشد.

ماده ۹- دادستان انتظامی قضات به تعداد کافی معاون، دادیار و فاضی ارزشیابی خواهد داشت. دادیار و معاون دادستان انتظامی باید دارای حداقل پانزده سال سابقه قضائی یا حداقل پایه هفت قضائی باشند و در ده سال اخیر خدمت قضائی خود محکومیت انتظامی درجه (۶) و بالاتر نداشته باشند.

تبصره - دادستان انتظامی قضات در بالاترین گروه شغلی قضائی قرار دارد و معاونان و دادیاران و قضات ارزشیابی به ترتیب در یک، دو و سه گروه پایین تر قرار می گیرند.

ماده ۱۰- وظایف و اختیارات دادرسی انتظامی قضات به شرح زیر است:
۱- بازرسی و کشف تخلفات انتظامی قضات و تعقیب انتظامی آنان در هر سمتی که باشند؛

۲- نظارت مستمر بر عملکرد قضات، ارزشیابی آنان و تحقیق در اعمال و رفتار منافعی با حیثیت و شأن قضائی با رعایت حریم خصوصی افراد؛

۳- پیشنهاد تعلیق قاضی از خدمت قضائی به دادگاه عالی انتظامی قضات؛

۴- پیشنهاد تشویق قضاتی که دارای خدمات علمی یا عملی برجسته باشند به رئیس قوه قضائیه؛

۵- پیشنهاد تنزل سمت یا جابه جایی قضات به رئیس قوه قضائیه؛

۶- سایر وظایفی که به موجب قوانین به دادسرای انتظامی قضات محول گردیده است.

تبصره - درخواست تعلیق قاضی و صدور کیفرخواست و قرار تعلیق تعقیب انتظامی منحصراً برعهده دادستان انتظامی قضات است. در غیاب دادستان، معاون اول او عهده‌دار این امور خواهد بود. دادستان انتظامی قضات می‌تواند سایر وظایف خود را به معاونان تفویض نماید.

ماده ۱۱- رسیدگی به درخواست ترفیع دادستان انتظامی قضات، قضات دادگاه عالی انتظامی و تجدیدنظر آن مستقیماً در دادگاه عالی تجدیدنظر به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۲- رسیدگی به تخلفات اعضاء دادگاه عالی انتظامی قضات و تجدیدنظر آن و دادستان انتظامی قضات توسط هیأت عمومی دیوان عالی کشور به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۳- نحوه بازرسی، نظارت و ارزشیابی عملکرد قضات و ترفیع پایه قضائی و اعطاء پایه تشویقی بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری دادسرای انتظامی قضات تدوین و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

فصل سوم - مجازاتها و تخلفات انتظامی قضات:

ماده ۱۴- مجازاتهای انتظامی قضات به درجات زیر اطلاق می‌شود:

۱- اخطار کتبی بدون درج در پرونده خدمتی؛

۲- توییح کتبی با درج در پرونده خدمتی؛

۳- کسر حقوق و مزایای مستمر ماهانه تا یک سوم از یک تا شش ماه؛

۴- کسر حقوق و مزایای مستمر ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک

سال؛

۵- کسر حقوق و مزایای مستمر ماهانه تا یک سوم از یک تا دو سال؛

۶- تنزل یک پایه قضائی و در مورد قضات نظامی تنزل یک درجه نظامی

یا رتبه کارمندی؛

۷- تنزل دو پایه قضائی و در مورد قضات نظامی تنزل دو درجه نظامی یا

دو رتبه کارمندی؛

۸- انفصال موقت از خدمت به مدت یک تا شش ماه؛

۹- انفصال موقت از خدمت به مدت شش ماه تا یک سال.

ماده ۱۵- مرتکب هر یک از تخلفات زیر با توجه به اهمیت و شرایط

ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه (۱) تا (۴) محکوم خواهد شد:

۱- درج نکردن مشخصات یا امضاء نکردن زیر صورتجلسات، اوراق

تحقیق و تصمیمات یا ناخوانا نوشتن یا به کار بردن کلمه یا عبارت سبک

ناپسند؛

۲- اعلام نکردن ختم دادرسی در دادگاه و ختم تحقیقات در دادسرا یا

تأخیر ناموجه در صدور رأی و اجراء آن؛

۳- دستور تعیین وقت دادرسی خارج از ترتیب دفتر اوقات بدون علت

موجه؛

۴- تأخیر یا تجدید وقت دادرسی بدون وجود جهت قانونی و بدون ذکر

آن؛

۵- خودداری از اعلام تخلفات کارکنان اداری، ضابطان، وکلای

دادگستری، کارشناسان، مشاوران حقوقی قوه قضائیه و مترجمان رسمی به مراجع

مربوط، در مواردی که مطابق قانون موظف به اعلام آن می‌باشند؛

۶- اتخاذ تصمیم ماهوی از سوی قاضی، بدون رعایت مقررات مربوط به

تشکیل جلسه دادرسی و ابلاغ؛

۷- عدم نظارت اداری منتهی به بی‌نظمی در امور شعبه یا شعب مراجع

قضائی از سوی متصدیان شعب مزبور؛

۸- عدم اعمال نظارت مقامات عالی قضائی نسبت به مراجع تسالی و

دادستان نسبت به دادیار و بازپرس از حیث دادن تعلیمات و تذکرات لازم و

اعلام تخلفات، مطابق قوانین مربوط؛

۹- غیبت یا تأخیر و تعجیل در ورود و خروج به محل کار یا حاضر نشدن

در نوبت کشیک، جلسات هیأتها و کمیسیونهایی که قاضی موظف به شرکت در

آنها می‌باشد، بدون عذر موجه؛

۱۰- رعایت نکردن قوانین مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا

محلّی؛

۱۱- رفتار خارج از نزاکت حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن؛

۱۲- اهمال در انجام وظایف محوله.

۱۳- عدم رعایت بندهای (۴) و (۱۲) قانون احترام به آزادیهای مشروع و

حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲

ماده ۱۶- مرتکب هر یک از تخلفات زیر با توجه به اهمیت و شرایط

ارتکاب به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه (۳) تا (۵) محکوم خواهد شد:

۱- خودداری از اعتبار دادن به مفاد اسناد ثبتی، بدون جهت قانونی؛

۲- اعلام نظر قاضی راجع به ماهیت دعوا پیش از صدور رأی یا افشاء

رأی قبل از اعلام رسمی یا امضاء آن؛

۳- اعمال و رفتار مخالف شئون قضائی.

ماده ۱۷- مرتکب هر یک از تخلفات زیر با توجه به اهمیت و شرایط

ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه (۴) تا (۷) محکوم خواهد شد:

۱- خودداری از پذیرش مستندات و لوائح طرفین و وکلاء آنان جهت ثبت

و ضبط فوری در پرونده یا خارج کردن آن از پرونده؛

۲- حاضر نشدن عضو دادگاه در جلسه رسیدگی بدون عذر موجه یا

شرکت نکردن وی در مشاوره و صدور رأی و امضاء آن؛

۳- گزارش خلاف واقع و مغرضانه قضات نسبت به یکدیگر؛

۴- خودداری از عزیمت به محل خدمت در موعد مقرر یا ترک محل

خدمت.

۵- صدور رأی غیرمستند یا غیرمستدل.

۶- عدم رعایت بندهای (۲)، (۳)، (۷)، (۸)، (۱۱)، (۱۲) و (۱۴) قانون

احترام به آزادیهای مشروع حفظ حقوق شهروندی.

ماده ۱۸- مرتکب هر یک از تخلفات زیر با توجه به اهمیت و شرایط

ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه (۶) تا (۹) محکوم خواهد شد:

۱- در صورت محکومیت قطعی به ارتکاب جرم عمدی و عدم رعایت

بندهای (۱)، (۵)، (۶)، (۹) و (۱۰) قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ

حقوق شهروندی؛

۲- اشتغال همزمان به مشاغل مذکور در اصل یکصد و چهل و یکم (۱۴۱)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین اشتغال به کارشناسی، مترجمی

رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی؛

۳- پذیرفتن هرگونه هدیه یا خدمت یا امتیاز غیرمعارف که به اعتبار

سمت قضائی داده می‌شود؛

۴- عضویت در احزاب و تشکلهای سیاسی و انتشار نشریات سیاسی و

تبلیغات حزبی.

ماده ۱۹- تخلف از قوانین موضوعه که در این قانون یا سایر قوانین برای

آن مجازات پیش‌بینی نشده است، با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، مستلزم

یکی از مجازاتهای انتظامی درجه (۱) تا (۵) می‌باشد.

ماده ۲۰- اگر تخلف عمداً برای اجراء مقصودی له یا علیه یکی از

متداعیین یا به لحاظ پذیرفتن توصیه و مغلوب نفوذ واقع شدن صورت گرفته و

منتهی به تضییع حق یا تأخیر در انجام وظیفه یا ترک آن شده باشد، مرتکب

نسبت به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه (۶) تا

(۹) محکوم خواهد شد.

ماده ۲۱- ارتکاب فعل واحد که واجد عنوان تخلفات متعدد باشد مستوجب تعیین یک مجازات انتظامی خواهد بود و چنانچه تخلفات ارتكابی دارای مجازاتهای متفاوتی باشند، مجازات تخلفی تعیین می‌شود که شدیدتر است.

ماده ۲۲- چنانچه ظرف دو سال تخلفی که قبلاً برای آن حکم مجازات صادر و اجراء شده است، تکرار شود، مرتکب حداقل به یک درجه مجازات شدیدتر از مجازات تعیین شده قبلی، محکوم خواهد شد.

فصل چهارم - آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی:

ماده ۲۳- جهات قانونی برای شروع تعقیب و رسیدگی انتظامی به قرار زیر می‌باشد:

۱- اعلام شخص ذی نفع یا نماینده قانونی او؛

۲- اعلام رئیس قوه قضائیه؛

۳- اعلام رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور؛

۴- اعلام رئیس شعبه دیوان عالی کشور؛

۵- ارجاع دادگاه عالی انتظامی قضا؛

۶- اطلاع دادستان انتظامی قضا؛

۷- رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح نسبت به قضاات آن سازمان.

ماده ۲۴- دادستان انتظامی دستور رسیدگی به گزارشها و اعلامات مراجع رسمی را صادر و در سایر موارد هرگاه گزارشها و اعلامات واصل شده را

بی اساس تشخیص دهد، دستور بایگانی پرونده را صادر می کند و در غیر این صورت برای رسیدگی به یکی از دادیاران انتظامی ارجاع خواهد کرد.

ماده ۲۵- دادیار انتظامی چنانچه در حین رسیدگی به تخلفات، تخلف دیگری را کشف کند، رسیدگی و اظهار نظر خواهد کرد.

ماده ۲۶- مدت مرور زمان تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدامی که در جهت تعقیب انجام گردیده سه سال می باشد.

ماده ۲۷- تعقیب انتظامی در موارد زیر موقوف خواهد شد:

۱- موضوع پرونده انتظامی قبلاً رسیدگی و منتهی به اظهار نظر نهایی شده باشد؛

۲- موضوع پرونده انتظامی مشمول مرور زمان شده باشد؛

۳- قاضی که تخلف به وی منسوب است فوت شده یا بازنشسته، بازخرید، مستعفی و یا به هر نحو دیگر از خدمت به طور دائم منفک شده باشد.

ماده ۲۸- قضات دادرسی انتظامی در راستای انجام وظایف محول شده می توانند اطلاعات، اسناد و اوراق مورد نیاز را از اشخاص حقیقی و حقوقی مطالبه نمایند. اشخاص مزبور مکلفند در ظرف زمانی اعلام شده نسبت به اجابت خواسته اقدام نمایند. عدم اجابت به موقع از سوی اشخاص حقوقی تخلف اداری محسوب و متخلف یا مقام مسؤول در مراجع ذی صلاح مربوط، به یک ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولتی محکوم خواهد شد.

تبصره- درخواست اسناد و اطلاعات سرّی منوط به موافقت رئیس قوه قضائیه می باشد.

ماده ۲۹- قضات دادسرای انتظامی می‌توانند راجع به تخلف انتظامی قاضی‌ای که تخلف متناسب به او است با رعایت شأن قضائی از ذی‌نفع یا افراد مطلع دیگر توضیحات لازم را اخذ نمایند.

ماده ۳۰- دادیار انتظامی پس از رسیدگی باید عقیده خود را اعلام نماید. در صورتی که دادیار عقیده به ادامه تعقیب انتظامی داشته و دادستان با وی موافق باشد، کیفرخواست تنظیم و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال خواهد شد و چنانچه دادستان به منع یا موقوفی تعقیب انتظامی معتقد باشد و دادیار نیز بر عقیده خود اصرار داشته باشد، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال می‌شود و رأی دادگاه متبوع خواهد بود. در سایر موارد نظر دادستان لازم‌الاتباع می‌باشد.

ماده ۳۱- دادستان انتظامی قضات می‌تواند در صورت احراز تخلف از ناحیه قاضی با توجه به میزان سابقه و تجارب قضائی و همچنین با در نظر گرفتن حسن سابقه و درجه علاقه مندی قاضی به انجام وظایف محول شده و سایر اوضاع و احوال قضیه، تعقیب انتظامی او را معلق و مراتب را به او اعلام نماید، مشروط بر این که تخلف مزبور مستلزم مجازات انتظامی از درجه (۸) و (۹) نباشد.

ماده ۳۲- رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی شهر تهران است. رسیدگی به دعوی مذکور

در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضاات می‌باشد.

تبصره - تعلیق تعقیب یا موقوفی تعقیب انتظامی مانع از رسیدگی دادگاه عالی انتظامی قضاات به اصل وقوع تقصیر یا اشتباه قاضی نخواهد بود.

ماده ۳۳- قاضی که تعقیب انتظامی او معلق شده است، در صورت ادعای عدم ارتکاب تخلف می‌تواند ظرف یک ماه پس از ابلاغ قرار تعلیق تعقیب، رسیدگی به موضوع را از دادگاه عالی انتظامی درخواست کند. در این صورت چنانچه دادگاه عالی انتظامی، قاضی را متخلف تشخیص دهد او را به مجازات انتظامی محکوم خواهد نمود.

ماده ۳۴- تعلیق تعقیب انتظامی هر قاضی با رعایت شرایط مقرر در قانون برای هر دو سال از تاریخ ابلاغ قرار تعلیق بیش از یک بار امکان‌پذیر نخواهد بود. در صورتی که قاضی با وجود برخورداری از تعلیق تعقیب، ظرف دو سال از تاریخ ابلاغ قرار مذکور، مرتکب تخلف جدیدی شود با صدور کیفرخواست دادستان انتظامی، تخلف مشمول تعلیق نیز در دادگاه عالی انتظامی قضاات، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

ماده ۳۵- رسیدگی به تخلفات انتظامی قضاات در دادگاه عالی انتظامی قضاات و به موجب کیفرخواست دادستان انتظامی قضاات و صرفاً به موارد اعلام شده در کیفرخواست به عمل خواهد آمد.

تبصره - در صورتی که قاضی در مظان تخلف، ضمن رسیدگی در دادگاه عالی انتظامی قضاات به تخلف یا تخلفات دیگری اقرار نماید، دادگاه مذکور به تخلف یا تخلفات جدید نیز رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌نماید.

ماده ۳۶- رئیس شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضاات، پس از وصول پرونده، رسیدگی را به یکی از شعب ارجاع خواهد کرد. شعبه مرجوع‌الیه پس از ثبت پرونده، نسخه‌ای از کیفرخواست را از طریق نماینده دادستان انتظامی قضاات مستقر در استان در اسرع وقت به نحو محرمانه به قاضی در مظان تخلف ابلاغ و نسخه ابلاغ شده اعاده می‌گردد. قاضی یادشده نیز می‌تواند دفاعیات خود را به همراه مستندات ظرف مدت یک ماه پس از ابلاغ کتبا به دادگاه عالی انتظامی قضاات ارایه نماید.

تبصره ۱- ابلاغ جز در موارد مصرح در این قانون، تابع مقررات آئین دادرسی مدنی است.

تبصره ۲- در غیاب رئیس شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضاات، پرونده‌ها به ترتیب توسط رؤسای شعب بعدی ارجاع خواهد شد.

ماده ۳۷- جلسه شعبه دادگاه عالی انتظامی قضاات با حضور همه اعضای تشکیل می‌شود و رأی اکثریت منوط اعتبار می‌باشد. در صورتی که دادگاه لازم بداند دادستان انتظامی قضاات یا یکی از معاونان یا دایاران به نمایندگی از وی به منظور دفاع از کیفرخواست و ارایه توضیحات لازم در جلسه حضور خواهد یافت.

تبصره - در مواردی که دادگاه با حضور قاضی در مظان تخلف، اقدام به رسیدگی می‌نماید حضور دادستان یا نماینده وی الزامی است.

ماده ۳۸- آراء دادگاه عالی انتظامی قضات مبنی بر محکومیت قاضی توسط محکوم علیه و آراء برائت توسط دادستان انتظامی قضات ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی خواهد بود.

تبصره ۱- شروع مهلت دادستان انتظامی قضات برای اعتراض، تاریخ وصول پرونده به دبیرخانه دادرسی انتظامی خواهد بود.

تبصره ۲- نحوه ابلاغ آراء به شیوه ابلاغ کیفرخواست می‌باشد.

ماده ۳۹- حکم قطعی محکومیت ظرف ده روز پس از ابلاغ به قاضی متخلف، توسط دادرسی انتظامی قضات اجراء خواهد شد.

ماده ۴۰- محکوم علیه می‌تواند نسبت به تمامی احکام محکومیت قطعی یا قطعیت یافته دادگاه عالی انتظامی قضات یا دادگاه عالی تجدیدنظر، در صورت وجود یکی از موجبات اعاده دادرسی، درخواست اعاده دادرسی نماید. این درخواست حسب مورد به دادگاه عالی انتظامی قضات یا دادگاه عالی تجدیدنظر تقدیم و در صورت تجویز اعاده دادرسی از سوی دادگاه مذکور، رسیدگی در همان شعبه به عمل خواهد آمد.

تبصره - جهات اعاده دادرسی در این ماده، تابع مقررات آئین دادرسی کیفری خواهد بود.

فصل پنجم - تعلیق قاضی:

ماده ۴۱- هرگاه قاضی در مظان ارتکاب جرم عمدی دارای مجازات قانونی سلب حیات، قصاص یا قطع عضو، شلاق و حبس به طور منحصر یا توأم با مجازاتهای دیگر قرار گیرد، دادستان انتظامی قضات موضوع را بررسی و چنانچه دلایل و قراین دلالت بر توجه اتهام داشته باشد، تعلیق وی از سمت قضائی را تا صدور رأی قطعی توسط مرجع ذیصلاح و اجراء آن، از دادگاه عالی انتظامی قضات تقاضا می‌کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی به دلایل، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.

تبصره ۱- مرجع کیفری صالح می‌تواند پیشنهاد تعلیق قاضی را جهت اقدام مقتضی به دادستان انتظامی اعلام نماید.

تبصره ۲- دادرسی و دادگاه عالی انتظامی قضات می‌توانند پیش از اظهارنظر راجع به تعلیق قاضی، در صورت اقتضاء و تمایل قاضی مزبور، توضیحات او را استماع نمایند.

تبصره ۳- در صورتی که درخواست تعلیق قاضی از سوی دادرسی یا دادگاه عالی انتظامی قضات رد شود و پس از آن دلیل جدیدی کشف شود، مرجع کیفری صالح می‌تواند بررسی مجدد موضوع تعلیق را از دادستان انتظامی قضات درخواست نماید.

ماده ۴۲- تعقیب قاضی در غیر جرایم مذکور در ماده (۴۱) این قانون، پس از اعلام مرجع کیفری صالح و اجازه دادستان انتظامی صورت می‌گیرد مگر

آن‌که تعقیب یا اجراء حکم مستلزم جلب یا بازداشت قاضی باشد که در این صورت مطابق ماده (۴۱) یادشده عمل خواهد شد.

تبصره - احضار قاضی که برابر این ماده، بدون تعلیق، مورد تعقیب قرار می‌گیرد و نیز احضار قاضی به عنوان شاهد و مطلع صرفاً از طریق نماینده دادستان انتظامی قضات مستقر در استان و به صورت محرمانه انجام خواهد شد.

ماده ۴۳- قاضی متهم به کلاهبرداری، تحصیل مال نامشروع، ارتشاء یا اختلاس در زمان تعلیق، از دریافت حقوق و مزایا محروم خواهد شد. چنانچه رأی بر برائت یا منع تعقیب قاضی که از خدمت معلق شده صادر گردد، پس از قطعیت، تعلیق مرتفع و ایام تعلیق جزو خدمت وی محسوب و حقوق و مزایای مستمر پرداخت نشده به طور کامل به او پرداخت خواهد شد.

تبصره - چنانچه قاضی که از خدمت معلق شده است، به لحاظ ارتکاب اعمال انتسابی به انفصال دائم محکوم شود، حقوق و مزایای پرداخت شده در ایام تعلیق، مسترد می‌گردد.

ماده ۴۴- تعقیب و محکومیت کیفری قاضی یا عدم آن، مانع تعقیب و محکومیت انتظامی نیست.

فصل ششم - رسیدگی به صلاحیت قضات:

ماده ۴۵- رسیدگی به صلاحیت قضاتی که صلاحیت آنان طبق موازین شرعی و قانونی از ناحیه مقامات مصرح در این ماده مورد تردید قرار گیرد، با

"دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات" است. صلاحیت قاضی ممکن است توسط یکی از مقامات ذیل مورد تردید قرار گیرد:

۱- رئیس قوه قضائیه؛

۲- رئیس دیوان عالی کشور؛

۳- دادستان کل کشور؛

۴- رؤسای شعب دادگاه عالی انتظامی قضات و تجدیدنظر آن؛

۵- دادستان انتظامی قضات؛

۶- رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح نسبت به قضات آن سازمان.

ماده ۴۶- در صورت تردید نسبت به صلاحیت قاضی طبق ماده (۴۵) این

قانون، ابتداء موضوع به نحو مستند و مستدل به کمیسیون رسیدگی به صلاحیت

قضات مرکب از اشخاص زیر ارجاع می‌گردد:

۱- معاون قضائی رئیس قوه قضائیه؛

۲- معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری؛

۳- معاون قضائی رئیس دیوان عالی کشور؛

۴- معاون قضائی دادستان کل کشور؛

۵- دادستان انتظامی قضات.

کمیسیون مذکور موضوع را بررسی و چنانچه نظر بر عدم صلاحیت قاضی

داشته باشد، نتیجه را حداکثر ظرف سه ماه به دادگاه گزارش خواهد داد.

کمیسیون یادشده، با حضور اکثریت اعضاء رسمیت یافته و رأی اکثریت مناط

اعتبار است. دبیر این کمیسیون، دادستان انتظامی قضات می‌باشد.

ماده ۴۷- دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات، پس از بررسی گزارش کمیسیون و استماع مدافعات و اظهارات قاضی که در صلاحیتش تردید شده است، در صورت احراز عدم صلاحیت، حسب مورد وی را به یکی از مجازاتهای زیر محکوم خواهد نمود:

۱- تبدیل به وضعیت اداری و در مورد قضات نظامی لغو ابلاغ قضائی و

اعاده به یگان خدمتی؛

۲- بازخریدی؛

۳- بازنشستگی در صورت دارا بودن شرایط قانونی؛

۴- انفصال دائم از مشاغل قضائی؛

۵- انفصال دائم از خدمات دولتی.

تبصره ۱- قضاتی که با داشتن حداقل بیست سال سابقه خدمت منفصل می‌شوند، برای معیشت خانواده آنان مقرری ماهانه معادل دوسوم حقوق بازنشستگی از سوی دستگاه ذی‌ربط برقرار می‌گردد.

تبصره ۲- عدم ارایه لایحه دفاعیه یا عدم حضور قاضی در دادگاه، علی‌رغم ابلاغ وقت، مانع از رسیدگی نخواهد بود.

ماده ۴۸- چنانچه عدم صلاحیت قاضی ناشی از عدم توانایی وی در انجام وظایف محوله باشد، حسب مورد به تنزل مقام (سمت قضائی) یا تبدیل به وضعیت اداری محکوم خواهد شد. رأی صادره در این مورد قطعی است.

ماده ۴۹- رأی دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر از طرف محکوم‌علیه در دادگاه عالی تجدیدنظر

صلاحیت قضات است. محکوم علیه می تواند تقاضای تجدیدنظر خود را به دفتر دادگاه تقدیم نماید.

ماده ۵۰- دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات و تجدیدنظر آن از سه عضو تشکیل گردیده و در تهران مستقر می باشد. رئیس و اعضاء دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات از بین قضات گروه (۱۱) و رئیس و اعضاء تجدیدنظر آن از بین قضات گروه (۱۲) توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می شوند.

تبصره - در صورتی که در بالاترین گروه به تعداد کافی قاضی نباشد یا از رسیدگی معذور باشند، اعضاء دادگاه عالی تجدیدنظر رسیدگی به صلاحیت قضات از بین قضات گروه (۱۱) و بالاتر توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می شوند.

ماده ۵۱- دادگاههای مذکور در این فصل با حضور تمامی اعضاء رسمیت یافته و رأی اکثریت مناط اعتبار است. ابلاغ رأی توسط دفتر دادگاه صورت خواهد گرفت.

تبصره - تصمیمات به نشانی اعلام شده توسط قاضی به کمیسیون به نحو محرمانه ابلاغ می شود و هرگاه قاضی آدرس اعلام ننموده باشد، آخرین نشانی موجود در محل خدمت وی معتبر خواهد بود.

ماده ۵۲- چنانچه نظر کمیسیون یا دادگاههای مذکور در این فصل بر تأیید صلاحیت قاضی باشد، پرونده مختومه خواهد شد.

ماده ۵۳- اجراء حکم قطعی محکومیت با دادسرای انتظامی قضاات می‌باشد.

ماده ۵۴- چنانچه عمل ارتكابی قاضی عنوان جزایی نیز داشته باشد، مدارک مربوط به مراجع صالحه قضائی جهت رسیدگی ارسال خواهد شد.

ماده ۵۵- موارد رد قضاات مذکور در این قانون همان موارد رد دادرس در آیین دادرسی مدنی است.

ماده ۵۶- آیین‌نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت دادگستری با همکاری دادسرای انتظامی قضاات تدوین و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۵۷- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، تمامی قوانین و مقررات زیر ملغی می‌باشد:

۱- ماده (۱۱۳) قانون اصول تشکیلات عدلیه - مصوب ۱۳۰۷/۴/۲۷؛

۲- مواد (۲۱)، (۲۳)، (۲۸) و (۳۱) قانون استخدام قضاات و صاحب منصبان پارکه و مباشرین ثبت اسناد - مصوب ۱۳۰۶/۱۲/۲۸؛

۳- ماده (۱) قانون راجع به محاکمه انتظامی - مصوب ۱۳۰۷/۱۱/۶؛

۴- قانون صلاحیت محکمه انتظامی - مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۳؛

۵- ماده (۵۱) قانون تسریع محاکمات - اصلاحی ۱۳۱۵/۱۰/۶؛

۶- ماده (۴) قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تکمیل قانون استخدام قضاات - مصوب ۱۳۱۷/۱۰/۱۱؛

۷- مواد (۳۰) و (۳۳) لغایت (۴۳) و ماده (۵۲) لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات - مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۱۴؛

۸- مواد (۱) بندهای (ج)، (و)، (ه)، (۲) و (۳) قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات - مصوب ۱۳۳۵/۶/۱۷؛

۹- ماده (۳) راجع به تجدیدنظر کردن در احکام دادگاه عالی انتظامی قضات - مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۹؛

۱۰- مواد (۲) و (۶) لایحه قانون راجع به اصلاح بعضی مواد لوایح قانونی مربوط به اصول تشکیلات دادگستری - مصوب ۱۳۳۹/۲/۲۱؛

۱۱- مواد (۲۶) و (۲۷) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری - مصوب ۱۳۵۶؛

۱۲- لایحه قانونی تعیین مرجع تجدیدنظر و اعاده دادرسی نسبت به احکام دادگاه عالی انتظامی قضات - مصوب ۱۳۸۵/۳/۲۴؛

۱۳- بند (۵) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت - مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸؛

۱۴- قانون رسیدگی به صلاحیت قضات - مصوب ۱۳۷۶/۲/۱۷ تبصره- توسعه اداری مادتين (۳) و (۹) لایحه با هماهنگی معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور خواهد بود. /ن

رئیس جمهور

وزیر دادگستری
سیدمرتضی بختیاری

سوابق

مواد (۲۱)، (۲۳)، (۲۸) و (۳۱) قانون استخدام قضات و صاحب منصبان پارک و مباحثین ثبت اسناد

(مصوب ۲۸ اسفندماه ۱۳۰۶ شمسی)

ماده بیست و یکم - برای رسیدگی به تفصیرات اداری قضات و صاحب منصبان پارک و همچنین برای تصویب ترفیع آنها و امتحان ورودی مستخدمین عدلیه محکمه عالی مستقلاً به اسم محکمه انتظامی تشکیل می‌شود.

پاورقی: به موجب قانون ۱۳ آبان ماه ۱۳۰۹ "در مواقعی که محکمه عالی انتظامی عدلیه به محاکمات انتظامی مشغول نمی‌باشد به دعاوی تمیزی رسیدگی خواهد کرد و در این مواقع محکمه مزبور به منزله شعبه دیوان تمیز بوده و مطابق مقررات قانون راجعه به رسیدگی تمیز رفتار خواهد کرد.

تبصره ۱ - محاکمه انتظامی رییس و مدعی‌العموم تمیز در شورای دولتی خواهد شد - مادام که شورای دولتی تشکیل نشده در محکمه مرکب از پنج نفر که اعضاء آن به حکم قرعه از میان ده نفر که به تقاضای وزیر عدلیه با رعایت تخصصات و اطلاعات لازمه مجلس شورای ملی از بین نمایندگان یا خارج انتخاب خواهد کرد به عمل می‌آید.

تبصره ۲ - محکمه انتظامی می‌تواند در موقع امتحانات عده را که لازم می‌داند از اشخاص صلاحیتدار دعوت کرده و یا خود هیأت متحنه را تشکیل دهد.

ماده بیست و سوم - ممکن است بدو عضویت محکمه انتظامی را قبول نکرد ولی پس از قبول خروج از محکمه انتظامی فقط به واسطه رسیدن تقاعد یا استعفا از خدمت دولتی یا محکومیت خواهد بود.

به علاوه امتناع از قبول عضویت محکمه انتظامی وقتی جایز است که واجدین شرایط فوق بیش از عده باشند که برای تشکیل محکمه انتظامی لازم است.

ماده بیست و هشتم - استرداد شکایت از طرف شاکی و استعفای مستخدم مشترکی عنده صانع رسیدگی انتظامی نیست.

ماده نهم و یکم - مدت مرور زمان برای تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف یا آخرین اقدام تعقیبی قانونی دو سال است.

ماده (۱) قانون راجع به محاکمه انتظامی (مصوب ۱۶ بهمن ۱۳۰۷)

ماده اول - مستخدمین عدلیه که از شغل اداری به شغل قضایی منتقل شده‌اند در محکمه انتظامی محاکمه خواهند شد هر چند تفسیر آنان مربوط به زمان اشتغال به شغل اداری باشد - و همچنین اشخاصی که از شغل قضایی به شغل اداری انتقال یافته‌اند در صورتی که تفسیر مربوط به زمان تصدی آنها به شغل قضایی باشد.

قانون صلاحیت محکمه انتظامی (مصوب ۱۳ آبان ماه ۱۳۰۹)

ماده واحده - در مواقعی که محکمه عالی انتظامی عدلیه به محاکمات انتظامی مشغول نمی‌باشد به دعاوی تمیزی رسیدگی خواهد کرد در این مواقع محکمه مزبور به منزله شعبه دیوان تمیز بوده و مطابق مقررات قانونی راجعه به رسیدگی تمیزی رفتار خواهد کرد.

چون به موجب قانون مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ (دولت مجاز است لوایحی را که وزیر عدلیه به مجلس شورای ملی پیشنهاد می‌نماید پس از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع وقوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید)

ماده (۵۱) قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه و استخدام قضات مصوب ۱۳۱۵/۱۰/۶

کمیسیون قوانین عدلیه

ماده ۱۷- ماده ۵۱ قانون تسریع محاکمات مصوب تیر ۱۳۰۹ به طریق ذیل اصلاح می‌شود:

هیأت تجدید نظر تشکیل می‌شود از پنج نفر به ترتیب ذیل:

دو نفر از اعضاء محکمه انتظامی که به حکم قرعه انتخاب می‌شوند و سه نفر از رؤساء و اعضاء دیوان تمیز که هم‌ساله وزیر عدلیه قبلاً برای این منظور معین می‌کند حکم این هیأت قطعی و تا پنج روز پس از وصول به وزارت عدلیه باید به موقع اجرا گذارده شود.

تبصره ۱- در موقع تجدید نظر مدعی‌العموم تمیز شخصاً باید در هیأت تجدید نظر حاضر شود.

تبصره ۲- محکومین به انفصال دائم از خدمت معلق می‌شوند تا وقتی که حکم محکمه انتظامی به واسطه انقضاء موعده قطعی شده یا حکم هیأت تجدید نظر صادر شود.

ماده (۴) قانون اصلاح پاره از مواد قانون استخدام قضات (مصوب ۱۱ دی ماه ۱۳۱۷)

ماده ۱- ماده ۴ قانون تکمیل قانون استخدام قضات مصوب تیر ماه ۱۳۰۸ به طریق زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۴ - مجازات انتظامی صاحبان پایه قضایی از قرار زیر است:

۱ - اخطار کتبی بدون درج در برگ خدمت.

۲ - توبیخ کتبی با درج در برگ خدمت.

۳ - کسر حقوق ماهیانه تا یک ثلث از یک ماه تا شش ماه.

۴ - انفصال موقت از سه ماه تا یک سال.

۵ - تنزل پایه یک درجه یا زیادتر.

۶ - انفصال دائم از خدمت وزارت دادگستری.

۷ - انفصال دائم از خدمات دولتی.

مواد (۳۰) و (۳۳) لغایت (۴۳) و ماده (۵۲) لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات (مصوب ۱۲/۱۴/۱۳۳۳)

ماده ۳۰ - ماده ۵۰ قانون تسریع محاکمات ملغی و ماده ذیل به جای آن تصویب می‌شود:

در صورتی که از هیأت دادگاه عالی انتظامی یک یا دو نفر اعم از رئیس و یا عضو نائب یا قانوناً ممنوع از مداخله باشند و همچنین در مواقعی که دادگاه تا دو نفر کسر سازمانی حاصل کند برای تکمیل دادگاه از بین رؤسا و مستشاران حاضر دیوان عالی کشور عده لازم به قرعه انتخاب می‌گردد. استقراع در شعبه اول دیوان عالی کشور به عمل می‌آید و از بین اشخاصی خواهد بود که حائز شرایط عضویت مذکور در ماده ۲۹ این قانون باشند.

ماده ۳۳ - در نزد دادگاه عالی انتظامی دادرسی انتظامی قضات تشکیل می‌گردد.

پایه دادستان دادرسی مزبور کمتر از پایه ده نخواهد بود و به تعداد کافی دادیار و کارمند اداری خواهد داشت.

ماده ۳۴ - دادستان انتظامی قضات باید لااقل دارای چهل و پنج سال و بیست سال سابقه خدمت قضایی باشد و در دوره ده ساله اخیر خدمت خود محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا نداشته باشد.

ماده ۳۵ - تأخیر بی مورد در رسیدگی به شکایات همچنین تأخیر در اظهار نظر موجب تعقیب انتظامی خواهد بود.

ماده ۳۶ - وظایف دادرسی انتظامی قضات به شرح ذیل است:

۱ - بازرسی و کشف تخلفات و تفصیرات و تعقیب مستخدمین قضایی.

۲ - تحقیق در جهات اخلاقی و اعمال و رفتار منافی با حیثیت و شئون قضایی و سوء شهرت کارمندان قضایی و اهمال و مسامحه آنها در انجام وظیفه.

ماده ۳۷ - جهات زیر موجب شروع به بازرسی و تعقیب خواهد بود:

۱ - شکایت ذینفع.

۲ - اعلام و گزارش مراجع رسمی.

۳ - اعلام وزیر دادگستری یا دادستان کل کشور.

۴ - مشهودات و مسموعات و اطلاعات دادستان انتظامی قضات و یا دادیاران آنها.

۵ - ارجاع دادگاه عالی انتظامی.

ماده ۳۸ - دادگاه عالی انتظامی می‌تواند رأساً به شکایات رسیدگی نماید و در صورتی که تحقیقاتی را لازم بداند به وسیله دادرسی انتظامی قضات به عمل خواهد آورد و دادرسی انتظامی نتیجه تحقیقات را به دادگاه عالی انتظامی گزارش خواهد داد.

ماده ۳۹ - هر گاه دادستان انتظامی قضات شکایات و گزارشها و اطلاعات را بی‌اساس تشخیص داد دستور بایگانی آنها را می‌دهد در صورتی که محتاج به تحقیق دانست رسیدگی را به یکی از دادیاران انتظامی ارجاع خواهد کرد که وظایف تحقیق را انجام دهند. لکن در صورتی که شاکي به شکایت خود باقی بماند می‌تواند طبق ماده بالا مستقیماً به دادگاه عالی انتظامی شکایت نماید.

ماده ۴۰ - دادیاران انتظامی پس از رسیدگی اظهار عقیده خواهند کرد و در صورتی که عقیده دادستان و دادیار هر دو و یا دادستان انتظامی بر تعقیب باشد پرونده به دادگاه عالی انتظامی فرستاده می‌شود و در صورتی که عقیده دادیار بر تخلف و دادستان بر عدم تعقیب باشد پرونده نزد دادستان کل فرستاده می‌شود در این صورت نظر دادستان دیوان عالی کشور اجراء خواهد شد. در مواردی که عقیده به تعقیب باشد ادعای تهیه و با امضاء دادستان انتظامی قضات به دادگاه عالی انتظامی فرستاده می‌شود هر گاه دادگاه مزبور تحقیقات و رسیدگیهای مقدماتی را ناقص تشخیص دهد می‌تواند با ذکر موارد نقص تکمیل تحقیقات را از دادستان انتظامی قضات بخواهد.

ماده ۴۱ - موقع رسیدگی در دادگاه عالی انتظامی دادستان انتظامی قضات یا یک نفر از دادیاران به تعیین دادستان انتظامی در دادگاه حاضر شده اظهار عقیده می‌نمایند.

ماده ۴۲ - هر گاه در اثناء رسیدگی کشف شود که کارمند قضایی مرتکب جنحه یا جنایتی شده و

دادستان انتظامی قضات آن نسبت را مقرون به دلایل و قرائن ببیند که تعقیب کیفری را ایجاب نماید تملیق کارمند مظنون را از شغل خود تا صدور رأی نهایی مراجع کیفری از دادگاه عالی انتظامی تقاضای نماید و دادگاه پس از رسیدگی به دلایل قرار مقتضی صادر خواهد نمود و در صورت حصول براءت ایام تملیق جزء مدت خدمت محسوب و مقرری آن به کارمند داده خواهد شد.

ماده ۴۳ - دادستان و دادیاران انتظامی قضات می‌توانند تحقیقات لازم را به وسیله ادارات دولتی و اداره کل بازرسی کشور و بازرسان آن اداره به عمل آورند - ادارات و اشخاص مزبور مکلفند به فوریت تحقیق نموده و نتیجه را اعلام دارند.

ماده ۵۲ - به منظور حفظ بیطرفی کامل در انجام وظیفه و رعایت احترام شئون قضایی عضویت متصدیان مشاغل قضایی در احزاب سیاسی و جمعیت‌های وابسته به آنها و هر گونه تبلیغات حزبی و انتشار روزنامه یا مجله سیاسی و حزبی ممنوع است تخلف از مفاد این ماده موجب تعقیب در دادگاه عالی انتظامی و انفصال از خدمات قضایی خواهد بود.

مواد (۱) بندهای (ج)، (و)، (ه)، (۲) و (۳) قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات (مصوب ۱۴ اسفند ماه ۱۳۳۳ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین) (مصوب ۱۳۳۵/۶/۱۷)

ماده اول - مواد ۱۵ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ و ۳۱ و ۳۲ و ۴۷ و تبصره‌های مواد ۱۵ و ۱۷ تبصره ۱ ماده ۱۸ و تبصره ۲۱ و تبصره ۲ ماده ۴۴ از لایحه اصول قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۴ اسفند ماه ۱۳۳۳ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین به شرح زیر اصلاح می‌شود:

الف - سازمان قضایی دادگستری از حیث تعداد دادگاه‌های استان و شهرستان و بخش همان است که در این تاریخ وجود دارد و در آتی کم یا زیاد نمودن دادگاه‌ها با نظر وزیر دادگستری و با رعایت قانون بوده‌جه ممکن خواهد بود.

تبصره ۱ - قضاتی که در نتیجه حذف یا کم شدن دادگاه‌ها بیکار می‌شوند تا انتصاب به مقام جدید از حقوق انتظار خدمت استفاده خواهند کرد.

تبصره ۲ - دیوان عالی کشور دارای ۸ شعبه خواهد بود. هر شعبه مرکب از چهار نفر که یک نفر به نوبت سمت کارمند ممیز را خواهد داشت و در رأی شرکت می‌نماید و یک نفر از سه نفر دیگر به نوبه در رأی شرکت نخواهند کرد انتخاب رؤسا و اعضاء ۸ شعبه که باقی می‌ماند به نظر وزیر فعلی دادگستری خواهد بود.

در صورت احتیاج وزیر دادگستری می‌تواند حداکثر تا چهار شعبه دیگر بر شعب مزبور علاوه نماید. تبصره ۳ - نصب و تغییر دادستانها و بازپرسها و دادیارها کماکان به اختیار وزیر دادگستری می‌باشد (به استثنای دادستان کل که مطابق اصل ۸۳ قانون اساسی عمل می‌شود) بازپرسها باید متأهل باشند.

تبصره ۴ - وزارت دادگستری با تصویب دادگاه عالی انتظامی می‌تواند پایه اداری لیسانس‌های دانشکده حقوق و معقول و منقول و فارغ التحصیل‌های کلاسهای قضایی را که در سال ۱۳۳۰ در آن وزارتخانه مشغول خدمت بوده‌اند با رعایت سنین خدمت آنها و مدت‌های مقرر برای ترفیع در قانون استخدام قضات مصوب سال ۱۳۱۵ به پایه قضایی تبدیل نماید مشروط بر این که پایه‌هایی که بر اثر این ترفیع به آنان داده می‌شود از پایه ۸ قضایی تجاوز نکند.

ب - ماده ۱۸ - انتخاب کلیه قضات محاکم و کارمندان قضایی و تعیین عده محاکم در هر حوزه و تغییر مقر دادگاه‌ها و قبول مستخدمین جدید قضایی با رعایت مقررات قوانین مربوطه با وزیر دادگستری خواهد بود.

ج - ماده ۲۱ - در هر موقع که وزیر دادگستری از سوء شهرت یا رفتار اعمال منافعی حیثیت و شئون قضایی و یا انحرافات سیاسی مضره قاضی اطلاع حاصل نمود موضوع را رسیدگی نموده مراتب را با اظهار نظر فوراً برای تعقیب به دادگاه عالی انتظامی می‌فرستد.

تبصره - وزیر دادگستری می‌تواند ضمن تقاضای تعقیب قاضی متخلف تعلیق او را از دادگاه عالی انتظامی بخواهد - دادگاه در صورتی که تقاضای وزیر دادگستری را نسبت به تعلیق موجه دانست رأی به تعلیق از خدمت تا صدور حکم قطعی خواهد داد.

د - ماده ۲۳ - وزارت دادگستری می‌تواند مقر دادگاه‌ها را موقتاً به طور سیار قرار دهد.

ه - ماده ۲۴ - وزارت دادگستری می‌تواند پرونده قضاتی را که بدون عذر موجه سر خدمت حاضر نشوند و یا به محل مأموریت نروند به دادگاه عالی انتظامی ارسال دارد - در صورتی که قاضی بدون عذر موجه سر خدمت حاضر نشود به تقاضای وزارت دادگستری موضوع برای رسیدگی به تخلف در دادگاه عالی انتظامی طرح می‌شود و دادگاه خارج از نوبت رسیدگی می‌نماید.

مجازات متخلف در این مورد از درجه ۳ به بالا خواهد بود و وزارت دادگستری می‌تواند به جای او متصدی دیگری انتخاب نماید و در صورتی که عضو متخلف شفلی را که وزارت دادگستری به او رجوع می‌نماید قبول نکند بیکار خواهد ماند و حقوق دریافت نخواهد کرد.

و - ماده ۲۵ - رییس دیوان عالی کشور از بین رؤسای شعب دیوان مزبور یا کسانی که سابقاً

ریس شعبه دیوان کشور بودند یا وزرای سابق دادگستری که سابقه خدمات قضایی در دیوان کشور داشته‌اند انتخاب و به پیشنهاد وزیر دادگستری با فرمان همایونی منصوب خواهد شد. رؤسای شعب و مستشاران و معاون اول دادستان کل و دادیاران و دیوان عالی کشور از بین رؤسا و مستشاران و دادیاران فعلی و سابق دیوان عالی کشور و سایر قضات حائز شرایط و شایسته توسط وزیر دادگستری انتخاب و به فرمان همایونی منصوب خواهند شد.

وزیر دادگستری برای انتخاب هر یک از اشخاص مذکور سوابق قضایی و استعداد و حسن اداره و مشاغل را که عهده‌دار بودند مورد توجه قرار خواهد داد.

ح - ماده ۲۷ - دادگاه عالی انتظامی از پنج نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود. وزیر فعلی دادگستری مجاز است رییس و اعضاء دادگاه را از بین قضات فعلی دادگاه انتظامی یا قضات دیوان عالی کشور یا مستخدمین سایر وزارتخانه‌ها که سابقه خدمت قضایی دارند و همچنین از بازنشستگان قضایی انتخاب نماید - قبول عضویت دادگاه عالی انتظامی نسبت به کارمندان قضایی وزارت دادگستری الزامی است متخین که از قبول خدمت در دادگاه عالی انتظامی خودداری کنند بازنشسته خواهند شد سن بازنشستگی رییس و اعضاء دادگاه عالی انتظامی ۷۵ سال است - رئیس و اعضاء دادگاه عالی انتظامی قابل تغییر نخواهند بود - رییس و اعضاء دادگاه عالی انتظامی دارای هر رتبه که باشند از حقوق رتبه ۱۱ قضایی استفاده خواهند کرد. ط - ماده ۳۲ - احکام دادگاه عالی انتظامی و احکام دیوان عالی کشور در امور استخدامی (از تاریخ اجرای این قانون) قطعی و غیر قابل تجدید نظر است.

ماده ۲ - دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است به درخواست دادستان انتظامی یا به تقاضای وزیر دادگستری یا شکایت مستقیم اصحاب دعوی به تخلفات کلیه مستخدمین قضایی در هر مقام که باشند رسیدگی نموده و رأی مقتضی صادر نماید.

تبصره - رسیدگی به تخلفات رییس و اعضاء دادگاه عالی انتظامی در هیأت عمومی دیوان عالی کشور به عمل می‌آید.

ماده ۳ - دادگاه عالی انتظامی علاوه بر وظایفی که دارد مکلف است در هر مورد که وزیر دادگستری تقاضا نماید به جهات اخلاقی و اعمال و رفتار منافی با حیثیت و شئون قضایی و سوء شهرت کارمندان قضایی رسیدگی کند در صورتی که صلاحیت آنها محرز نگردید صلاحیت قضایی را از آنها سلب و پایه آنها را به اداری تبدیل نماید.

ماده (۳) قانون راجع به تجدید نظر کردن در احکام دادگاه عالی انتظامی قضات

(مصوب ۹ دی ماه ۱۳۳۷)

ماده ۳ - احکام صادره از دادگاه عالی انتظامی که مبنی بر محکومیت قاضی وکیل دادگستری از درجه سه یا بالاتر از آن باشد در صورت وجود یکی از موجبات اعاده محاکمه مذکور در ماده ۴۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری یا ماده ۵۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی قابل درخواست اعاده دادرسی خواهد بود و درخواست اجازه اعاده دادرسی به دادگاه تجدید نظر انتظامی تقدیم خواهد شد خواه حکم از دادگاه بدوی و خواه از دادگاه تجدید نظر صادر شده باشد و همچنین در مورد تصفیه شدگان طبق ماده ۲۳ قانون استقلال کانون وکلاء هر گاه دادگاه بدوی یا تجدید نظر اشتباه مؤثری در رسیدگی کرده باشد حکم آن دادگاه نیز قابل اعاده دادرسی خواهد بود و در این مدت مورد محکوم علیه می تواند از تاریخ اجرای این قانون ظرف دو ماه درخواست اجازه اعاده دادرسی به دادگاه تجدید نظر انتظامی قضات تقدیم نماید و در صورت صدور اجازه مرجع رسیدگی دادگاه صادرکننده حکم خواهد بود.

مواد (۷) و (۶) قانون راجع به اصلاح بعضی مواد لوایح قانونی مربوط به اصول تشکیلات دادگستری

(مصوب ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین)

ماده ۲ - هیأت نظارت از یک نفر رییس و دو نفر عضو اصلی تشکیل می گردد و دارای یک عضو علی البدل خواهد بود که به جای عضو غایب یا معذور انجام وظیفه نماید.

ماده ۶ - قبول خدمت در دادگاه عالی انتظامی و دادگاه تجدید نظر برای اشخاصی که انتخاب می شوند الزامی است و در صورتی که متخین از قبول خدمت یا ادامه آن تا سن بازنشستگی در هیأت نظارت و تجدید نظر خودداری کنند بازنشسته خواهند شد.

تبصره - سن بازنشستگی رییس و اعضاء هیأت نظارت و تجدید نظر ۷۵ سال است و قضات مزبور قابل تغییر نخواهند بود.

مواد (۲۶) و (۲۷) قانون پاره‌ای از قوانین دادگستری (مصوب ۳، ۲۵، ۱۳۵۶)

ماده ۲۶ - دادگاه عالی انتظامی قضات منحصرأ با اعلام وزیر دادگستری و یا کیفر خواست دادستان انتظامی قضات به تخلفات قضات رسیدگی ورأی مقتضی صادر می نماید.

دادستان انتظامی قضات می تواند با وجود احراز ارتکاب تخلف از ناحیه قاضی یا توجه به مدت سابقه و میزان تجارب قضایی او و همچنین با در نظر گرفتن حسن سابقه و درجه علاقمندی

قاضی به انجام وظایف محول و سایر اوضاع و احوال قضیه تعقیب انتظامی او را معلق و مراتب را به او اعلام نماید مشروط به این که تخلف متسبب از نوع ظفره و تعلل نبوده و مستلزم مجازات انتظامی از درجه ۴ یا بالاتر نباشد.

قاضی که تعقیب انتظامی او بنا به تصمیم دادستان انتظامی قضات معلق گشته در صورت ادعای عدم ارتکاب تخلف می تواند رسیدگی به موضوع را از دادگاه عالی انتظامی قضات درخواست کند. در این صورت هر دادگاه عالی انتظامی قاضی را متخلف تشخیص دهد او را به مجازات انتظامی محکوم خواهد ساخت.

تبصره - تعلیق تعقیب انتظامی هر قاضی از طرف دادستان انتظامی قضات با رعایت شرایط ظرف دو سال پیش از یک بار امکان پذیر نخواهد بود.

در صورتی که قاضی با وجود برخورداری از تعلیق تعقیب ظرف مدت مذکور مرتکب تخلف جدیدی شود با کیفرخواست دادستان از جهت تخلفات مشمول تعلیق نیز از طرف دادگاه عالی انتظامی تعقیب و مجازات او با در نظر گرفتن تعدد تخلف تعیین خواهد شد.

ماده ۲۷ - دادرسی انتظامی قضات مکلف است ضمن رسیدگی به شکایات و طی بازرسیهای منظم کمیت و کیفیت کار قضات را مورد ارزشیابی قرار داده و تشویق قضاتی را که مصدر خدمات با ارزش و برجسته و درخشان باشند به وزیر دادگستری پیشنهاد و به تناسب خدمت و اقتضای مورد صدور تقدیرنامه اعطاء نشان عدالت پیشنهاد نشان کشوری کاهش یک سال از مدت توقف در یک رتبه یا ترفیع یک رتبه قضایی را تقاضا نماید. ترفیع رتبه با تصویب دادگاه عالی انتظامی قضات به عمل خواهد آمد.

لایحه قانونی تعیین مرجع تجدید نظر و اعاده دادرسی نسبت به احکام دادگاه عالی انتظامی قضات (مصوب ۱۳۵۸، ۳، ۲۴)

ماده ۱ - احکام دادگاه عالی انتظامی قضات در صورتی که مبنی بر محکومیت قضات تا درجه ۳ باشد قطعی و از درجه ۴ به بالا ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در هیأت تجدید نظر انتظامی است.

ماده ۲ - هیأت تجدید نظر انتظامی تشکیل می شود از دو نفر از رؤسا و مستشاران دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس دیوان مزبور و یک نفر از مستشاران دادگاه عالی انتظامی قضات، مرجع درخواست تجویز اعاده دادرسی نسبت به احکام دادگاه عالی انتظامی نیز همین هیأت خواهد بود.

بند (۵) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین
(مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸)

ماده ۳ - قوه قضائیه موظف است کلیه درآمدهای خدمات قضائی از جمله خدمات مشروحه زیر را دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید:

۱ - در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از نود و یک روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی می باشد از این پس به جای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال صادر می شود.

۲ - هرگاه حداکثر مجازات بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا سه میلیون (۳۰۰۰۰۰۰) ریال بدهد.

۳ - در صورتی که مجازات حبس یا جزای نقدی توأم باشد و به جای حبس و مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم واقع شود هر دو مجازات نقدی جمع خواهد شد.

۴ - تقدیم دادخواست و درخواست تعقیب کیفری به مراجع قضائی علاوه بر حقوق مقرر مستلزم الصاق و ابطال تمبر به مبلغ یک هزار (۱۰۰۰) ریال می باشد.

۵ - تقدیم شکایت به دادرسی انتظامی قضات مستلزم الصاق و ابطال تمبر به مبلغ یک هزار (۱۰۰۰) ریال خواهد بود.

۶-....

قانون رسیدگی به صلاحیت قضات (مصوب ۱۳۷۶/۲/۱۷)

ماده ۱ - رسیدگی به صلاحیت قضائی که صلاحیت آنان طبق موازین شرعی و قانونی از ناحیه مقامات مصرحه در این قانون مورد تردید است از طریق محکمه عالی انتظامی قضات که متشکل از سه نفر قضات گروه ۸ خواهد بود صورت می گیرد.

عزل و نصب این قضات با رئیس قوه قضائیه است.

ماده ۲ - صلاحیت قاضی ممکن است توسط یکی از مقامات ذیل مورد تردید قرار گیرد:
الف - رئیس قوه قضائیه.

ب - رئیس دیوان عالی کشور.

ج - دادستان کل کشور.

د - روسای شعب دادگاه عالی انتظامی قضات.

ه - دادستان انتظامی قضات.

و - رئیس سازمان بازرسی کل کشور.

ز - رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح نسبت به قضات این سازمان.

ماده ۳ - هرگاه از ناحیه مقامات موضوع ماده (۲) صلاحیت قاضی مورد تردید قرار گیرد ابتدا موضوع به کمیسیون کارشناسی مرکز مرکب از:

الف - معاون قضایی رئیس قوه قضائیه.

ب - معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری.

ج - معاون قضایی رئیس دیوان عالی کشور.

د - معاون قضایی دادستان کل کشور.

و - دادستان انتظامی قضات.

ارجاع می‌گردد. کمیسیون به طریق مقتضی بررسی و نتیجه را حداکثر ظرف سه ماه به محکمه گزارش خواهد داد.

ماده ۴ - چنانچه اکثریت اعضای محکمه رای بر عدم صلاحیت قاضی مشککی هه صادر نمایند به یکی از مجازاتهای ذیل محکوم خواهد شد:

الف - انفصال دائم از مشاغل دولتی.

ب - انفصال دائم از مشاغل قضایی.

ج - بازخرید.

د - بازنشسته.

تبصره ۱ - انشاء رای به وسیله رئیس یا یک نفر از اعضاء اکثریت انجام خواهد گرفت.

تبصره ۲ - چنانچه عدم صلاحیت قاضی ناشی از عدم توانایی در انجام وظایف محوله باشد به وضعیت اداری تبدیل خواهد شد.

ماده ۵ - احکام صادره از محکمه عالی انتظامی قضات قطعی است.

ماده ۶ - چنانچه عمل ارتكابی قاضی مشککی عه عنوان جزایی نیز داشته باشد مدارک مربوطه به مراجع صالحه قضایی جهت رسیدگی ارسال خواهد گردید رای دادگاه تأثیری در حکم محکمه عالی نخواهد داشت.

ماده ۷ - هرگاه محکمه عالی انتظامی قضات با دادگاه عالی انتظامی قضات در ضمن رسیدگی به پرونده قضات احکام صادره از ناحیه آنان را خلاف موازین شرح تشخیص دهند مراتب را جهت اقدام قانونی به مراجع تجدیدنظر ارسال خواهند داشت.

ماده ۸ - این قانون پس از انقضای مهلت قانون تشکیل محکمه عالی انتظامی قضات مصوب ۲۳، ۸، ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام لازم‌الاجرا خواهد شد.

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱ - کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلیق شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲ - محکومیت‌ها باید برطبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حقی دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳ - محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۴ - با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف معوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵ - اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶ - در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷ - بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.

۸ - بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

۹ - هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰ - تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و

نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱ - پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنج‌گاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲ - پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد با سواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف با القاء ایجاد نگردد.

۱۳ - محاکم و دادسراها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و بسا متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴ - از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده‌است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵ - رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مسامی در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، بامتخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

اصل ۱۴۱ قانون اساسی

رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیات مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و موسسات برای آنان ممنوع است. سمتهای آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی از این، حکم مستثنی است.

اصل ۱۷۱ قانون اساسی

هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تفصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.

ماده (۱۱۳) قانون اصول تشکیلات عدلیه (مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۷ شمسی)

ماده صد و سیزدهم - اکیداً ممنوع است که حکام عدلیه و صاحبمنصبان اداره مدعی عمومی و مستخدمین اداری و منتظرین خدمت و کلاه عدلیه دسته بندی یا اتحادی نمایند برای تعطیل محاکم و ادارات یا توقیف جریان امور عدلیه یا برای اقدام دیگری به هیأت اجتماع برای تقدیم اعتراضنامه و امثال آن.
تخلف از این ماده مستلزم انفصال فوری بوده و منقضین دیگر به خدمت و به وکالت عدلیه پذیرفت نخواهند شد.